

سلیم رحیمی؛ مهاجمی زهردار، هنرمندی نامدار

چهره های مطرح در فوتبال دهه 50 و 60 اردبیل هر کدام برای خود یلی هستند قابل احترام و تکریم. کارنامه ورزشی آنها به دلیل رفتار مناسب، تربیت صحیح و آموزش اصولی دارای کمترین نقاط ضعف می باشد.

ورزش و فوتبال برای انسان در سطح اجتماع جایگاهی می بخشد که نگه داری و ارتقای آن در اختیار خود ورزشکاران است و اگر می بینیم که فوتبالیست های دهه 50 و 60 محبوبیت خود را در جامعه حفظ کرده و همچنان مورد توجه علاقه مندان می باشند علتی جز رفتار و برخورد مناسب آنها نداشته و ندارد.

سرگذشت همه آنهایی که در سرافرازی فوتبال دو دهه یاد شده اردبیل نقش آفرینی کرده اند برای ماندن در دل تاریخ ورزش این منطقه به طریقی باید جمع آوری و در یک مجموعه ای برای آیندگان به یادگار گذاشته شود.

در میان ورزشکاران و فوتبالیست های دهه 50 و 60 اردبیل بودند قهرمانانی که علاوه بر درخشش و موفقیت در مستطیل سبز در صحنه های هنری از جمله موسیقی و تئاتر نیز سرآمد و افتخارآفرین بوده اند.

می گویند در هر حوزه ای اگر انسان بتواند مهارت کافی داشته باشد به عنوان هنرمند شناخته می شوند. مهارت داشتن همزمان در ورزش و موسیقی و تئاتر می تواند یک موهبت الهی به شمار آید.

بین ورزش و هنر هماهنگی هایی وجود دارد و رابطه بین این دو تا حدودی با کلمه مهارت پیوند می خورد. هنر از گذشته های دور در تمامی بخش های ورزش نقش بسزایی داشته است و افرادی که بتوانند برای فعالیت در هر دو حوزه هنر و ورزش، در وجود خود این هماهنگی ها را تقویت نمایند می توانند در هر دو زمینه انسان های موفق باشند.

در فوتبال اردبیل برای این ادعا می توان مثال های متعددی زد. یکی از بارزترین، شاخص ترین و نامی ترین آنها فوتبالیست دوست داشتنی و هنرمند محبوب و توانا سلیم رحیمی است.

سلیم رحیمی یکی از چهره های مردمی در دنیای فوتبال و تئاتر اردبیل است. نام این مرد دوست داشتنی، هم برای علاقه مندان به فوتبال و هم برای دوستداران هنر تئاتر و موسیقی نامی آشنا و قابل احترام است.

وی در آن ایامی که با پیراهن تیم پاس به میدان رفت و یا در پیشانی تیم منتخب گل های زیبا و حساس به ثمر می رساند در دل تماشاگران و سکونشینان ورزشگاه تختی اردبیل جا داشت و هم زمانی که به عنوان بازیگر و کارگردان در عرصه تئاتر به روی صحنه می رفت برای دوستداران هنر الگویی قابل اعتماد بود.

نوشتن در مورد سلیم رحیمی و پرداختن به توانایی های ورزشی و هنری وی کاری بسیار سخت است. او مجموعه ای از بهترین و بالاترین خصوصیات را در خود جای داده است.

سلیم رحیمی از آن جمله فوتبالیست های اردبیلی است که تعصبش به اردبیل و تیم پاس زبانزد می باشد. فوتبال دهه 50 و 60 به سبب افرادی مانند سلیم رحیمی ها چون ستاره ای درخشان در دنیای ورزش اردبیل بوده است. در آن سال ها حضور انسان های عاشق در عرصه فوتبال فضای خاصی را به وجود آورده بود، فضایی که یادآوری اش برای کسانی که در آن روزگار فوتبال منطقه را دیده اند غرورآفرین می باشد.

فوتبال که فقط برد و باخت و ارائه گزارش عملکرد های درست و غلط نیست. فوتبال باید وسیله ای برای تربیت انسان های بزرگ و خدمتگزار باشد. فوتبال باید عاملی برای مسلح شدن به صفات پسندیده و نیکو باشد. فوتبال باید به مجموعه اش درس مردانگی و جوانمردی بدهد و فوتبال باید دانشگاهی برای پرورش و تربیت خدمتگزارانی به معنای واقعی باشد.

فوتبال اگر در مسیر درست و صحیح اش باشد و اداره امور آن به دست اهلش سپرده شود در شادی روان، رشد اخلاق، جوانمردی، هدایت به سوی خیر و گسترش راستی و درستی در سطح جامعه می تواند نقشی مهم و تأثیرگذار داشته باشد.

به جرئت می توان گفت که فوتبال دهه 50 و 60 اردبیل گلچینی از این ویژگی ها را داشته و دلایل موفقیت و ماندگاری یاد و خاطره آن را در دل این عوامل باید جستجو کرد.

به پای صحبت های سلیم رحیمی می نشینیم و با او بخشی از تاریخ فوتبال اردبیل و نقش وی را مورد بررسی قرار می دهیم.

معرفی

در معرفی خودش می گوید: "من سلیم رحیمی کوچک تمام سوخته دلان و سوته دلان دیار سولطان ساوالان اردبیلیم. متولد بیستم اردیبهشت ماه سال 1339 در کوچه قاسمیه".

سلیم رحیمی در سال 68 ازدواج کرده و ثمره آن فرزند پسری است به نام آرمین که در سال 1369 متولد شده است.

دوره تحصیل

"دوره ابتدایی را در دبستان های دیباج و چهارم آبان و دوره متوسطه را در مدارس دهقان و آریا وابومسلم تحصیل کرده ام".

دوره نوجوانی

او به موفقیت هایش در دوره نوجوانی و تحصیل در مقاطع ابتدایی و دبیرستان اشاره کرده و می گوید: "دوران نوجوانی و زمان تحصیل در مدرسه آریا بهترین ایام فعالیت در ورزش و هنر بود. بارها در مسابقات هنری در رشته های آواز محلی و تئاتر در سطح استان آذربایجان شرقی به مقام اول رسیدم. با این موفقیت ها در فصل تابستان به اردوی سراسری دانش آموزان در رامسر اعزام می شدم. آن اردوها و مسافرت ها نقش مؤثر و سازنده ای در شخصیت اجتماعی ام داشت".

وی در ادامه می گوید: "علاوه بر هنر در دوومیدانی و رشته پرش طول هم فعالیت کرده و همراه با تیم منتخب اردبیل به مربیگری استان جهان الهیاری در مسابقات قهرمانی کشور شرکت داشتم و بعد برای فعالیت در ورزش رشته فوتبال را انتخاب کردم و در 14 سالگی پیراهن تیم منتخب جوانان اردبیل را بر تن نمودم.

فعالیت باشگاهی

محل قاسمیه یکی از محلات فوتبال خیز اردبیل محسوب می شد. تیم پیکان که سال ها در رقابت های باشگاهی اردبیل فعالیت داشت از جوانان این محل تشکیل شده بود. قاسمیه بزرگان زیادی را به فوتبال اردبیل تحویل داده است که نمونه آن داود حسنی فرد است. سلیم

رحیمی در چنین محله ای به دنیا آمد و بدون شک جو فوتبالی منطقه در شکل گیری فوتبال وی بدون تأثیر نمی تواند باشد.

وی می گوید: "اولین تیم من هما بود. بعد به تیم صفوی که توسط محمد مجیدی و شیخ غفور بزرگوار هدایت می شد پیوستم و در ادامه توسط دو چهره تأثیرگذار فوتبال اردبیل یعنی شادروان مجید عقیلی و بزرگمرد فوتبال آذربایجان زنده یاد جعفر صراطی به تیم منتخب اردبیل پیوستم".

رحیمی در ادامه می گوید: "فوتبال من با پیوستن به تیم پاس که از قدرتمندترین تیم های آذربایجان بود، شکل گرفت. با تلاش تعدادی از بزرگان فوتبال از جمله داود حسنی فرد، نادر کهنمی و غفور نژاد ابراهیمی و با پیوستن بازیکنان شاخص اردبیل چه از نظر شخصیت اجتماعی و چه از نظر سطح بازی، تیم پاس احیا شد و بدین ترتیب تیم افسانه ای پاس تشکیل گردید و من نیز در کنار بهترین های فوتبال اردبیل فوتبالم را ادامه دادم و سه سال متوالی به عنوان بهترین گل زن باشگاه های اردبیل دست یافتم".

رحیمی در سال 1362 به همراه مرسل و قری و پرویز حدیثی در ترکیب تیم فوتبال منتخب آذربایجان شرقی قرار گرفته است.

وی در سال 1365 به خاطر فعالیت های هنری عازم تهران می شود و در حالی که سال ها می توانست در فوتبال بدرخشد بالاجبار از رشته ورزشی خود فاصله می گیرد.

مربیان رحیمی

"بهترین مربی من با احترام به همه عزیزانی که در فوتبالم نقش داشتند آقای داوود حسنی فرد می باشد. همیشه مدیون وی و بزرگان پاس اردبیل از جمله هوشنگ معماری، حسن پاسبان، مهران قاسمی و بخصوص حبیب آقای نجفلو هستم".

رفقای فابریک

"رفقای فابریک را انتخاب کردن بین بازیکنان پاس واقعا سخت است چرا که پاس علاوه بر اینکه یک تیم بود یک تن بود یا به قولی چندین روح در یک تن بود ولی با تعدادی از دوستان گرم تر بودیم و صمیمی تر. از جمله زنده یادان مقصود بایرامی و ناصر عروجی، و یاران بجا مانده مرسل و قری، فیض اله نیک نژاد، انرژی تیم رضا مرادی، بمب

خنده ناصر افتابی، کاظم نوراله زاده و ..."

خاطره فوتبالی

وی می گوید: "بهترین خاطره من از تورنمنت قانمشهر است. در یکی از سفرهایمان به این شهر با یک دروازه بان (بیژن زرگین) رفته بودیم. در دقیقه اول اولین بازی، بازوی زرگین کاملاً شکست و تیم بی دروازه بان ماند تا اینکه داوود آقا با یک سوت مرا به طرفش خواند و گفت: برو دروازه، من و تمام بازیکنان مات و مبهوت بودیم که چرا سلیم..؟"

من با روحیه بالا درون دروازه ایستادم و در دو بازی که انجام دادیم یک گل خوردم و آن هم از روی نقطه پنالتی. من در آن دو بازی که دروازه بان بودم شاه بازی خوب تیم یک دست پاس را از درون دروازه تماشا کردم و اولین بار بود که بازی مقصود بایرامی را به طور کامل دیدم. همیشه و همه جا گفته ام مقصود خودش یک تیم بود".

بهترین مدافع

از وی می پرسیم بهترین مدافعی که در مقابلش بازی کردی چه کسی بود: "با احترام به تک تک مدافعین قدرتمند فوتبال اردبیل، بازی در مقابل مهدی جوهری فوتبالیست با معرفت آستارا و فنونی زاده تیم ملی واقعا اذیت کننده بود."

شماره 14

"من به خاطر اینکه در 14 سالگی به تیم اردبیل دعوت شدم و از طرف دیگر به یوهان کرایف علاقه شدیدی داشتم، پیراهن شماره 14 را به تن می کردم."

هنر و ورزش

"هنر و ورزش هر دو از ظرافت خاصی برخوردارند. خوب بازی کردن در فوتبال را هنرمندانه توصیف می کنند. هنر صیقل دهنده روح آدمیست که با ارتقا در هنر به مقام انسانیت می رسد. با تأسف هم فوتبال ما و هم هنر ما از آن مقام مقدس و انسانی کاملاً دور شده و هر آن فاصله اش از آن نقطه ایده آل بیشتر می شود."

از رحیمی می خواهیم که نظرش را در مورد کلمات زیر بیان بکند:

*حبیب نجفلو

مدیر و ناجی فوتبال اردبیل در دهه 60

*هوشنگ معماری

بزرگمرد تیم که بودنش برای تک تک ما نعمتی بوده و هست.

*نادر کهنمی

شناسنامه و کارت ملی فوتبال اردبیل

*اژدر عمی

مالک و صاحب اصلی تیم پاس

*عارف بزرگان

از بزرگان عاشق صادق فوتبال اردبیل

*مرسل وقری

همیشه از زاویه پائین وی را نگاه می کنم و او را بزرگ و کاپیتان خود می دانم.

*مرحوم مقصود بایرامی

آبرو و حیثیت فوتبال آذربایجان

و این شعار هواداران در مورد مقصود کاملاً عیان و صادق بود:

شیر شیران آمده مقصود به میدان آمده